

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نشریه پیشرو شماره ۴۱

۲۵ دسمبر ۲۰۱۱

جاسوسی؛ لکه ننگ ابدی

کلمه جاسوس معمولاً به کسانی اطلاق می شود که منافع کشور و ملت خود را فدای بیگانه ها نموده و در خدمت آنان قرار می گیرند. این عده در مقابل پول و امتیازات دیگر، در هر مقام و منصبی که قرار دارند به خاطر خوش خدمتی به بادران خود، حاضر اند تا آنچه از آنان تقاضا می شود یا آنچه را که می دانند یا می توانند برای شان انجام دهند.

ملت ما که طی قرون متمادی از آزمون های سخت تاریخی موفق بدر آمده است، اما همین ملت سرافراز در اثر معامله های تنی چند از وطن فروشان بزرگترین و بیشترین آسیب را متحمل شده است. در فروپاشی دولت امانی در کنار عوامل دیگر نقش شبکه استخباراتی انگلیس به خصوص جاسوسان داخلی آن خیلی مهم و زیانبار بوده است. سر آغاز تجاوز اتحاد شوروی که با زمینه چینی جواسیس افغان تبار آن آغاز شد، ویرانی ۸۰ درصد از روستاها و زیربناهای کشور، آوارگی حدود ۵ میلیون و مرگ نزدیک به دو میلیون و معلول شدن صدها هزار از هموطنان ما را در پی داشت. به علاوه این تجاوز بعد از شکست، زمینه ساز مداخله و اشغال کشورهای همسایه و دول غربی نیز گردید.

پاکستان که از مسأله خط دیورند و نزدیکی افغانستان با هندوستان همیشه نگران بوده با آرزوی يك دولت ضعیف و وابسته در افغانستان، بیشترین سرمایه گذاری را برای تضعیف افغانستان انجام داده و تلاش نموده است که کشور ما را به حیث بازار مصرف بنجل های پاکستانی و منبع خوب مواد خام خود نگه دارد. بناءً با اتخاذ این سیاست در پرورش عوامل و جواسیس متعدد تا سطح رهبران تنظیم ها و قوماندانان آن عمل نموده که این پروسه تا اکنون هم ادامه دارد.

ایران هم در این راستا دست کمی از پاکستان نداشته و اهمیت سرمایه گذاری روی عوامل نفوذی و استخباراتی در بین تنظیم ها را خوب درک کرده، تا جایی که در زمان اشغال شوروی خود در صدد ایجاد گروه های نظامی در افغانستان برآمد و از این طریق مانند پاکستان مسبب جنگ های خونین تنظیمی و ریختن خون هزاران تن در کشور

ما نیز گردید. دولت ایران با استفاده از این شیوه توانست بهره برداری اعظمی را در مسایل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، سرحدی و استفاده از دریا‌های افغانستان بنماید.

عده ای از کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، شیخ نشین های حوزه خلیج فارس، ترکیه، ازبکستان و دیگران نیز با استفاده از عوامل نفوذی خود در افغانستان در ویرانی کشور ما نقش زیانباری داشته اند و هر يك به سهم خود در تقویه گروه ها و افراد وابسته شان پول های کلانی را به مصرف رسانیده اند و می رسانند. دول غربی به خصوص ایالات متحده و انگلیس که از گردانندگان و بازیگران اصلی بازی در سالهای اخیر بوده اند، سرمایه گذاری های بزرگی را روی عوامل خود داشته اند. سیاست این کشورها در چنین مسایل خیلی مرموز و چند پهلو بوده که بعضی اوقات قومندانان ظاهراً در جنگ با نیروی نظامی این کشورها که از جواسیس خود شان بوده، افشاء شده و حتی به قتل رسیده اند.

به صورت عموم این کشورها تلاش می ورزند تا افراد شان را در حلقه های بالائی قدرت نصب نموده و در تصمیم گیری های اساسی نقش داشته باشند یا حداقل از موضوعات مهم در اسرع وقت آگاهی یابند. ارگ ریاست جمهوری، ارگانهای امنیتی، تقنینی و غیره از جمله اهداف این کشورها می باشند.

اما نکته جالب در اینست که بسیاری از این جواسیس به یکدیگر اتهام خیانت می بندند تا خود را تبرئه کنند و ضرب المثل «دیگ به دیگچه می گوید رویت سیاه است» را بر خود تطبیق می کنند، یا گویا بعضی از این جاسوسان «شریف» و بعضی ها «ناشریف» می باشند زیرا جاسوسی برای یک کشور را «خدمت به مردم و وطن» و به کشور دیگر خیانت می دانند. طور مثال: جاسوسی و کار در راستای منافع پاکستان را خیانت می گویند اما کار برای منافع و جاسوسی برای ایران و کشورهای بزرگ امپریالیستی از جمله امریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، جاپان و غیره را «خدمت به مردم» وانمود می سازند. جاسوس، جاسوس است، برای این کشور و آن کشور ندارد، خواه پاکستان باشد، ایران، امریکا و یا کشور دیگری. همه بدون استثناء داغ سیاه و شرمناک جاسوسی را بر پیشانی خود حمل می کنند. این عده بدون آنکه عرق شرم برجبین شان جاری شود و خجل شوند به وابستگی هایشان فخر می فروشند. در محاسبه و دادگاه ملت جرم همه یکسان و نابخشودنی بوده و لکه ننگ شان ابدیست.